

مسیر موفقیت

نایلم ن هیل

مترجمین

حامد زیرکسان

اعظم زمانی

www.ketab.ir

سرشناسه	:	هیل، ناپلئون، ۱۸۸۳-۱۹۷۰م Hill, Napoleon
عنوان و نام پدیدآور	:	مسیر موفقیت / [هیل ناپلئون]: مترجم حامد زیرکساز، اعظم زمانی
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات بانز، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	:	۲۶۴ ص
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۹۸۱۳۵-۳-۷
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	عنوان اصلی: Road to success: putting the principles of think and grow rich into action in your life, 2016
یادداشت	:	کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان «جاده موفقیت: راهنمای کلاسیک برای رسیدن به موفقیت مالی و شادی و شادکامی» با ترجمه مهدی قرچه داغی توسط نشر نسل خواندیش در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است.
عنوان دیگر	:	جاده موفقیت: راهنمای کلاسیک برای رسیدن به موفقیت مالی و شادی و شادکامی
موضوع	:	موفقیت در کسب و کار، Success in business
موضوع	:	موفقیت، Success
موضوع	:	تفکر نوین، New thought
شناسه افزوده	:	زیرکساز، حامد، ۱۳۶۰، مترجم
شناسه، جزوده	:	زمانی، اعظم، ۱۳۵۵، مترجم
رده بندی کنگ	:	۱۳۹۷ ج ۲ هـ / HF ۵۳۸۶
رده بندی دیویی	:	۶۰۱
شماره کتابشناسی ملر	:	۵۱۴، ۰۳۶

انتشارات بانز

۱۰: ناپلئون هیل

مترجمین: حامد زیرکساز، اعظم زمانی

مدیر تولید: آ. ر. شفیق حسینی

ویراستار: ندا اقبال

صفحه آرای: زهرا رحمتی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: تابستان ۹۷

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

مرکز پخش انتشارات بانز: تهران نو، خیابان یونسیان، کوچه امینی، پلاک ۱۸

Tokabook.com

Tokabook.ir

تلفن: ۷۷۹۹۱۱۷۶ - ۰۹۱۲۲۸۷۱۱۶۹

حق چاپ برای انتشارات بانز محفوظ است

۵	پیشگفتار
۱۱	مقدمه
۱۵	فصل اول
۳۳	فصل دوم: اعتماد به نفس
۴۳	فصل سوم: ابتکار عمل
۴۹	فصل چهارم: خلاقیت
۵۷	فصل پنجم: استقامت
۶۳	فصل ششم: عموکرد
۷۳	فصل هفتم: خویشتنداری
۸۷	فصل هشتم: عادت به انجام کارهای از حقوق دریافتی
۱۰۵	فصل نهم: شخصیت جذاب
۱۱۵	فصل دهم: فکر دقیق
۱۲۵	فصل یازدهم: تمرکز
۱۳۷	فصل دوازدهم: پشتکار
۱۴۵	فصل سیزدهم: یادگیری از شکست‌ها
۱۷۹	فصل چهاردهم: شکیبایی
۲۰۷	فصل پانزدهم: کاربرد قانون‌های طلایی
۲۲۷	بخش دوم: موفقیت
۲۴۳	بخش سوم: رهبری و مدیریت
۲۵۵	بخش چهارم: قدرت دید گسترده

نوشته شده توسط دان، ام گرین مدیر اجرایی بنیاد ناپلئون هیل
آیا تاکنون از اینکه چرا موفقیت نصیب برخی افراد می‌شود و از برخی دیگر فرار
می‌کند، متعجب شده‌اید؟

این همان سئوالی است که ناپلئون هیل در دوران کودکی خود همواره در سر
داشت و در همه عمر، دنبال این سئوال قدیمی بود. هیل به پاسخ این سئوال که
چرا برخی افراد موفق می‌شوند در حالیکه میلیون هانفر به موفقیت دست
نمی‌یابند، به شیوایی که تابش از او هرگز انجام نشده بود، دست یافت.

الیور ناپلئون هیل در سن ۱۲، ۱۳ در منطقه دور افتاده‌ای کوهستانی در جنوب
غربی ویرجینیا متولد شد. با توجه به او ساعت ایل زندگی، به نظر نمی‌رسید که
هیل روزی به موفقیت دست یابد. روزی می‌گفت: من در یک کلبه چوبی متولد
شدم که سه نسل از خانواده من در آن به دنیا آمده، زندگی کرده و با جهالت و
فقر دست و پنجه نرم کرده بودند و بی‌آنکه حتی از معده کوه‌های آن ناحیه
بیرون رفته باشند، از دنیا رفته بودند.

زندگی در آن منطقه در مقایسه با شهرهای دیگر در شرق، دلتا، محدوده، بسیار
ابتدائی و ساده بود و امید به زندگی با توجه به میزان مرگ و میر بسیار پایین
بود - بسیاری از روستائینان ویرجینیایی از بیماری‌های مزمن به علت تغذیه
نامناسب رنج می‌بردند.

درست هنگامیکه هیل در سن ده سالگی مادرش که فقط ۲۶ سالش بود را از
دست داد، روزنه‌های اندکی برای دست‌یابی به موفقیت به هر میزان بزرگ برای
او نمایان شد. یکسال بعد، پدرش دوباره ازدواج کرد که نقطه عطفی در زندگی

پسر جوان به شمار می‌رفت. نامادری ناپلئون، مارتا رامی بنر، خانمی تحصیل کرده که بیوه مدیر دبیرستان و دختر یک دکتر بود. مادر جدید هیل، ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی را در او دید که هیچکس برای آنها ارزش قائل نشده بود. در آن زمان، او هیل را متقاعد کرد که از راه خرید و فروش اسلحه پول تهیه یک ماشین تحریر را بدست آورد و خودش هم نحوه کار کردن با آن را یادش داد. هیل از ماشین تحریرش برای تایپ داستان‌های خبری تاسن ۱۵ سالگی استفاده می‌کرد و بدین وسیله اثبات کرد که تا چه اندازه می‌تواند در طول زندگی‌اش ارزشمند باشد. به جز در شهرهای بزرگ، مدارس در سرتاسر ایالت وضعیت خرابی هستند. ابتدائی فقط ۴ ماه از سال را باز بودند و حضور هم اجباری نبود.

دبیرستان‌ها نیز به چه اندازه؟ و در حدود یکصد مدرسه در کل ایالت وجود داشت که اغلب شامل یک دوره تحصیلی ۲ یا ۳ ساله می‌شدند. ۲۰ سال پس از تولد هیل تنها ۱۰ مدرسه برنامه آموزشی چهار ساله در کل ایالت ویرجینیا وجود داشت.

این بسیار ستودنی است که او توانست در هر عرصه از چنین گذشته‌ای رهایی یابد و این چنین موفق شود و بر میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تاثیرگذار باشد.

هیل اغلب در مقاله‌ها، کتاب‌ها، و سخنرانی‌هایش به دوران اوایل کودکی‌اش اشاره می‌کرد.

تجدید خاطره او از خاطرات دوران کودکی اغلب منفی بود. .. و این اندکی تامل برانگیز است که هیل اغلب به مطلب از فرش به عرش رسیدن خود در طول دوران حرفه‌ای‌اش اشاره می‌کند.

با اتمام دوره دو ساله دبیرستان در وایز ویرجینیا - هیل خودش را یک مدیر اجرایی تلقی می‌کرد.

و با ورود به دانشکده کسب و کار در نزدیکی Tazewell، او دوره‌های آموزشی را برای شغل دفترداری گذراند که می‌توانست او را برای ورود به دنیای تجارت آماده کند. هیل تصمیم به تقاضای کار در دفتر یکی از موفق‌ترین افراد که در منطقه کومستانی جنوب غربی ویرجینیا زندگی می‌کرد را گرفت. هیل می‌گوید او حاضر بود برای انجام کار در دوره آموزشی به کارفرمایش پول پرداخت کند. ژنرال رافول ایرز برای یکی از ثروتمندترین و موفق‌ترین افراد، کارفرمای جدید ناپلئون شد.

بسیار قابل درک است که چرا ناپلئون هیل با آن پیشینه‌ای که با فقر و ناآگاهی احاطه شده بود، هیل را برای ژنرال ایرز کار کند.

پس از آنکه هیل دوره‌های آموزشی دانشکده تجارت را به اتمام رساند، به آقای ایرز این طور نوشت: من تازه دوره آموزشی کسب و کار را به اتمام رسانده‌ام و به خوبی واجد شرایط خدمت بعنوان دفتر دار شما هستم، شغلی که بسیار من مشتاق آن هستم. .. زیرا من هیچ تجربه قبلی برای این زمینه ندارم و می‌دانم که در آغاز، این کار برای من بیشتر از شما مفید خواهد بود. به همین علت من مایلم که حق امتیاز کارکردن با شما را پرداخت کنم.

شما می‌توانید هر مبلغی را که منصفانه است، مطالبه کنید که در پایان سه ماه، این مقدار حقوق من خواهد شد، مبلغی که من بایستی به شما پرداخت کنم. سخامی که شروع به کسب درآمد کردم، می‌تواند از مبلغ پرداختی شما به من کسر شود.

ایرز ناپلئون جوان را که صبح زود به سر کار می‌آمد و تا دیر وقت کار می‌کرد و مشتاق بود در کارش سنگ تمام بگذارد و بیش از جبران خسارت خدمات ارائه دهد، استخدام کرد.

سنگ تمام گذاشتن در کار و با جان و دل کار کردن همان چیزی بود که یکی از اصول موفقیت هیل شد.

هنگامی که هیل شروع به مطالعه بر روی افراد موفق و آنچه که منجر به موفقیتشان شده بود کرد، پیشینه و گذشته آقای آیرز، بسیار کمک خوبی بود. آیرز هنگامیکه جوان بود در جنگ داخلی ایالات متحده در ارتش متفقین خدمت کرده بود، پس از جنگ، آیرز در یک فروشگاه تجاری کار می‌کرد و مزه‌ای حقوق می‌خواند.

او سپس به یک وکیل موفق تبدیل شد و به عنوان دادستان کل ایالت ویرجینیا و همچنین یک جر موفق مشغول به خدمت رسانی شده که خدماتش به سازماندهی راه‌ها و راه اندازی معادن زغال سنگ و دیگر مشاغل تجاری کمک شایانی کرد. ویل نیز ایده شرکت در دانشکده حقوق برای وکیل شدن را از او گرفت.

هیل برادرش vivian که در دانشگاه جورج تاون پذیرفته شده بود را متقاعد کرد که او (هیل) از اشتیاقش به نوشتن برای حمایت از هردو آنها در طول مدت تحصیل در کالج استفاده کند.

اطلاعاتی که هیل جمع کرد منجر به دنیایی از دستاوردها و سخنرانی از اکتشافاتش درباره دستاوردهای شخصی‌اش شد.

اکتشافات هیل مبنای مجموعه‌ای هشت جلدی به نام قرن‌های رفقت که در سال ۱۹۲۸ منتشر شد قرار گرفت. همچنین کتاب بیاندیشید و نروتمند شوید در سال ۱۹۳۸ جزو پر فروش‌ترین کتاب‌ها قرار گرفت.

کتابی که در پیش رو دارید حاوی نوشته‌های ارزشمند هیل درباره موفقیت می‌باشد که پیش از آن که او اولین کتابش را چاپ کند، نوشته شده است.

به خاطر داشته باشید این مربوط می‌شود به سال ۱۹۰۸ هنگامی که هیل با آقای اندرید کارنگی مصاحبه کرد، یعنی بیست سال پیش از انتشار اولین کتاب. در طول این بیست سال هیل می‌نوشت، سخنرانی می‌کرد، کلاس‌های آموزشی اصول موفقیت برگزار می‌کرد و مجله شخصی خودش را به نام ناپلئون هیل و مجله قوانین طلایی هیل را منتشر می‌کرد.

مقاله‌ای از این مجلات در کتابی که شما در دست دارید با هم تلفیق شده که می‌تواند بینشی ارزشمند از اولین دست نوشته‌های هیل ارائه دهد.

چه شما آثار مشهور هیل را خوانده باشید و یا اینکه این اولین بار است نوشته‌ای از من می‌خوانید، در هر صورت شما به بینشی ارزشمند دست خواهید یافت که در زندگی به شما کمک خواهد کرد.

هیل با مجله b tayllor جوانی با تحصیلات کم به ایالات متحده آمریکا آمده بود. در سال ۱۹۰۸ طی مأموریت در طرف مجله به نیویورک فرستاده شد تا با آقای اندریو کارنگی در عمارت ۶۴۱۵۰۰ مصاحبه کند. آقای کارنگی در جوانی با تحصیلات کم به ایالات متحده آمده بود. از طریق سخت کوشی و سرمایه‌گذاری کارنگی در جوانی تبدیل به یک میلیاردر شده بود.

هنگامی که هیل با کارنگی مصاحبه می‌کرد، او به عنوان مدیر گذار صنعت فولاد ایالات متحده ۷۴ سال سن داشت.

کارنگی تا زمان مرگش در سال ۱۹۱۹ حدود ۳۵۰ میلیون دلار را به فروش فولاد ایالات متحده را صرف امور خیریه کرد.

کارنگی درباره‌ی اصول و قواعد موفقیت با هیل صحبت کرد. پیش از آنکه مکالمه بین آن دو به اتمام برسد، کارنگی از هیل خواست که درباره زندگی رهبران بزرگ مطالعه و مصاحبه کند و یافته‌های خود را در مجموعه‌ای از اصول و قواعد گردآوری کند تا دیگر افراد هم بتوانند به خودشان کمک کنند.

کارنگی زمینه آشنایی هیل با رهبران بزرگ آن زمان چون جان دی راک فلر، توماس ادیسون، هنری فورد و جورج استیمن را فراهم کرد. شما به این حقیقت پی خواهید برد که چرا آثار هیل اینگونه در جهان محبوبیت پیدا کرده است و توانسته تا این حد برجسته‌های خود یاری کنونی موثر واقع شود که ماندش در تاریخ وجود ندارد.

www.ketab.ir